

طالبان زاده پاکستان است!

واقعیت آن است که جهانیان و در رأس آنها امریکا پس از حادثه ۲۰ سنبله ۱۳۸۰ (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که تروریستان تهدید جدی برای ملت های جهان گردیده است. و دیری نگذشت که گروه تروریستی طالبان به دنبال بیش از يك ماه حملات هوایی و زمینی نیروهای ائتلاف بین المللی به سرکردگی ایالات متحده امریکا و كمك و همکاری وسیع مجاهدین و اقوام و قبایل افغانستان شکست خوردند، و مجاهدین قدرت را به دست گرفتند و به دنبال آن و بر اساس مؤافقتنامه ایکه در شهر بن آلمان بین مجاهدین و احزاب افغانستان و سازمان ملل متحد به امضا رسید، اداره مؤقت به ریاست آقای حامد کرزی و پس از آن، دولت انتقالی اسلامی روی کار آمد، و این بار جهانیان تصمیم گرفتند که همراهی ملت رنجیده افغانستان همگام گردیده و ملتی که علیه تروریستان می جنگد با درک آنها ملت مارا با انواع کمکهای پولی، تخنیکي، و مادی و معنوی برای ما فراهم ساختن آنرا، وظیفه بشری خود دانستند که در بازسازی افغانستان باید سهم بگیرند، و حقوق بشر را یکبار دیگر نیز در افغانستان پیاده بکنند، و لذا تحت نام كمك به بازسازی افغانستان صدها مؤسسه ایرا در افغانستان فعال کردند، و پول های هنگفتی را در عرصه های معارف، تحصیلات عالی، صحت عامه، زیر بناهای یک حکومت مقتدر، ایجاد نیروی با قدرت نظامی، اقتصاد و

با این همه نیروهای خارجی در اوایل بعد از سقوط حکومت مستبد که از حمایت وسیع سازمان تروریست پرور استخبارات نظامی پاکستان آی. اس. آی. برخوردار بودند دوباره با حمایت آنها به لانه های امن ایکه از سوی نظامیان پاکستان مهیا گردیده بود پناه بردند ولی در آن زمان قوتهای خارجی منشاء تروریست را ناپود نکردند. ولی به مرور زمان طالبان و القاعده به حمایت آی. اس. آی. دوباره تجهیز و این بار مجهز با واسکت های انتحاری وارد خاک افغانستان گردیدند و مردم ما را تحت عنوان حضور نیروهای بین المللی به خون کشانیده اند.

در حال حاضر که هویت اصلی پاکستان افشا گردیده است کمک های اقتصادی حوزه غرب برای پاکستان نیز قطع گردیده است مقامات نظامی پاکستانی با تکیه بر همپیمانان جدید خود می کوشند، در برابر امریکا قدرت نمایی کنند و به امریکا بفهمانند که اگر امریکا پاکستان را یاری نمی رساند، چین به عنوان قدرت اقتصادی مهم آسیا از آن کشور حمایت خواهد کرد و جایگزین امریکا برای پاکستان خواهند بود.

اگر چنین واقعیتی اتفاق افتاده باشد، پاکستانی ها از مواضع خود عقب نخواهند نشست و حجم درگیری ها افزایش خواهد یافت و امریکا برای حفظ سربازان خویش اقدام های جدی تری را روی دست خواهند گرفت و شاید هم حادثه ای مشابه بن لادن، بار دیگر تکرار گردد و سران گروه حقانی، طالبان و سایر گروه های تروریستی توسط کماندوهای اردوی امریکا شکار شود. در صورتیکه چنین اتفاقی بیفتد و عملیات امریکا در خاک پاکستان صورت گیرد و پاکستان از کمند رابطه امریکا رهایی پیدا کند، ناگزیر امنیت افغانستان در اولویت های کاری امریکا قرار خواهد گرفت و افغانستان محراق توجه ایالات متحده و غرب قرار خواهد گرفت.

پرسش اساسی این بوده که اگر طالبان و سایر گروه های افراطی در افغانستان با ادعای مبارزه علیه نیروهای خارجی و حتی دولت افغانستان جنگ می کنند، پس دلیل حمله بر افراد ملکی بی گناه آن هم توسط عمل بیرحمانه انتحار، چه می تواند باشد؟ حمله در روز دهم محرم در کابل و مزار شریف، انفجار بمب و انتحار در مکان های مقدس و مکان های ازدحام، که بدون شک مردمان بی گناه، هدف اصلی بوده و می باشند، واضحاً این همه بیان کننده هویت اصلی آنها، تروریستان را نشان میدهد که اراده و تصمیم قبلی در قتل مردم بی گناه وجود داشته و حملات نمی تواند بدون انگیزه باشد. به قتل رسانیدن اطفال و زنان حقیقتی است که به هیچ وجه نمی توان از آن چشم پوشی کرد و به هیچ عنوانی با غرور و شهامت ملی مردم ما سازگار نبوده و نمی باشد.

به هر حال باید گفت اینکار همان طوریکه به مراتب از زبان آگاهان دینی بیان گردیده است، از گناهان کبیره شمرده شده و عوامل چنین کشتارهای بی رحمانه، مورد خشم و لعنت خداوند (ج) قرار خواهند گرفت و عمل انتحاری جنایتی است که هرگز فراموش نخواهد شد. ملت افغانستان همیشه به یاد خواهند داشت که چگونه قربانی حملات انتحاری و غیر انسانی دشمنان خون خوار گردیده اند، و دیگر آگاه شده اند، میدانند که دشمنان خویش را چگونه نابود نمایند.

پایان

دپانو شمیره: له ۱ تر 1